

نهاد ریاست جمهوری جایگزین تیم اقتصادی دولت!

احمدی نژاد چیزی جز نابود کردن پایه های اصلی سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران را در برنامه کار ندارد. پرونده هسته ای ایران و تنشهای بین المللی و موضع گرفتن غرب و آمریکا در برابر ایران عدم اطمینان را به وجود می آورد که خود باعث بی رغبتی خارجیان در جهت سرمایه گذاری میشود. موءسسات مالی بین المللی فعالیتهای خود را با موسسات مالی ایران به حالت تعلیق درآوردند و در مواردی هم متوقف کردند. فعالیت های بانکهای سپه و صادرات را دولت آمریکا متوقف کرد که این محدودیتهای مالی مشکلات زیادی را برای بازرگانان ایران به وجود آورد. نادیده گرفتن تعامل مناسب جهانی هزینه سنگینی را بر اقتصاد رو به انحطاط امروز کشور و نسل آینده تحمیل میکند. سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

قدرت سازمان مدیریت و برنامه ریزی در آغاز توسط رییس جمهوری تضعیف شد و سپس این سازمان به طور رسمی منحل شد. این سازمان که قدمتی بالغ بر ۶۰ سال دارد در آغاز با نام سازمان هیأت عالی برنامه مشغول با سازمان برنامه و بوجه، سازمان امور اداری و استخدامی کشور ادغام شد و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه ریزی را دارد. این سازمان وظایفی چون بودجه نویسی، برنامه ریزی و ارزیابی طرحهای عمرانی را بر عهده دارد. معاونت تازه تأسیس برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، کار بودجه نویسی سالانه را انجام خواهد داد اما مشخص نیست که دیگر وظایف سازمان منحل شده به چه نهادی واگذار خواهد شد. سازمان مدیریت و برنامه ریزی با استنادی ها ادغام شد و حال باید پرسید که آیا کارکنان این نهاد قادر به پیش بردن برنامه های توسعه هستند، آیا تجاربی در زمینه اقتصادی دارند. قدرت به فساد منجر می شود و قدرت مطلق به فساد مطلق ختم می شود. گرایش دولت نهم به تمرکزگرایی، قدرت طلبی را به وضوح آشکار میکند.

برنامه پنج ساله چهارم.

هیچ گزارشی از عملکرد سال اول برنامه پنج ساله چهارم از سوی احمدی نژاد ارائه نشده است. در حالی که بر پایه ماده ۱۵۷ برنامه چهارم، رییس جمهور می بایست گزارش نظارت و ارزیابی پیشرفت برنامه را سالانه به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. رئیس جمهور منتقدان تاخیر شش ماهه گزارش عملکرد سال اول برنامه پنج ساله چهارم را متهم به الهام گرفتن از سازمانهای بین المللی اقتصادی در راستای ادغام ایران در فرایند جهانی شدن میکند. رشد تولید ناخالص ملی که بر پایه برنامه پنج ساله چهارم قرار بود در سالهای ۸۴ و ۸۵ به ۵.۶ و ۴.۷ درصد برسد عملاً از ۴.۵ و ۳.۵ درصد فراتر نرفت. رشد نقدینگی که قرار بود مهار شود و از ۲۲ درصد نیز تجاوز نکند، عملاً به نزدیک ۴۰ درصد رسید و در نتیجه هدفهای برنامه در جهت کاهش تورم تحقق نیافت.

در حالی که دولت نهم و اکثریت قوه مقننه اعتقادی به برنامه پنج ساله چهارم ندارد و انراهدفی در راه باز شدن راه برای پیوستن ایران به روند جهانی شدن میدانند هیچ جای ابهامی در جهت تاخیر گزارش عملکرد این برنامه به مجلس نمیماند.

سهام عدالت

بعد از به روی کار آمدن احمدی نژاد روند خصوصی سازی با شیوی کاملاً متناقضی دنبال شد. رییس جمهوره کنونی که منتقد خصوصی سازی است، طرح سهام عدالت را به جای واگذاری شرکت های دولتی ارایه کرد و سهامی به ارزش پانصد هزار تومان بین چهار میلیون ششصد هزار نفر تقسیم کرد که اقدام عوام فریبانه ای بیش نیست .

تراز منفی تقریباً همیشگی شرکت های دولتی یکی از عواملیست که موفقیت این طرح (سهام عدالت) را زیر سوال می برد، حال بماند که این سهام در دست قشر کم در آمد جامعه قرار دارد ، افرادی که تحت پوشش کمیته امداد و سازمانهای بهزیستی هستند و احتمال فروش سهام و هزینه شدن این درآمد در راستای تامین نیازهای روزمره نیز میروند.

مصرف تمام درآمدهای حاصل از فروش نفت ، خالی کردن صندوق ذخیره ارزی و متممهای پی در پی برای تامین کسری بودجه ، پیامدهایی جز دو برابر شدن نقدینگی و افزایش نرخ تورم را در بر نداشته است .

نتیجه گیری.

به نظر نگارنده اقتصاد ایران به بیماری هلندی مبتلا شده است. همان طوریکه اقتصاد هلند به دلیل اتکای بیش از اندازه به فروش گل لاله مدتها بیمار بود، اقتصاد ایران هم مدتهاست که اتکای بیش از اندازه به نفت دارد. اقتصادی که دستخوش روند صعودی و نزولی بهایه نفت قرار میگیرد اقتصاد بیمار است در حالی که ملت این کشور دارای هفت هزار سال تمدن میتوانست فقط از طریق توریست سالیانه میلیون ها دلار درآمد داشته باشد و سرمایه های خارجی را جذب کند باید از خود پرسید، چرا دولت دروازه های کشور را به روی مسافران خارجی باز نمیکند، چرا هیچ اقدامی در جهت جذب توریست نمیکند! آیا تنها دلیل نگه داشتن مردم در خفقان نیست؟

اقتصاد ایران شکوفا میشود وقتی که کشور به سمت تولید سوق داده شود و به جز صادرات نفت به صادرات دیگر کالا ها هم بپردازد، وقتی که اقدامات دولت منطقی و مغایر با اصول نباشد ، وقتی که تیشه به ریشه هرج و مرج ، فساد مالی و سوء مدیریت زده شود.

انتقاد نیروی محرکه رشد و تکامل جامعه است، انتقاد سازنده باید همیشه خوش آیند باشد و دگراندیشان را نباید در هر زمینه ای به باد انتقاد گرفت و یا تهدید به زندان و یا اعدام کرد .

به امید برقراری دموکراسی در ایران
به امید بر خورداری ملت از پایه ای ترین حقوق خود
مرگ بر رژیم تروریستی فاشیستی و مذهبی آخوندها.

احمد آل محمدی

۱۴۰۸۲۰۰۷